

علی اصغر - شریف

رفتار متقابل در قانون

قیمومت و ازدواج

در مقاله قبل ماموضوع معامله متقابله را در قانون تابعیت مطالعه نمودیم اینک میخواستیم مطلب را در قانون قیمومت و ازدواج مورد بررسی قرار داده و نظریات و موضوعاتی که گفتنی است بیان نماییم، ضمناً خوشنودیم که موضوع ازدواج و قیمومت فرصت مناسبی بماداد تا در اطراف محکمه شرع و تشکیلات و وظائف آن مخصوصاً از زمان وزارت مرحوم داور ببعده و اختیارات وسیعی که محاضر شرعیه و محکمه شرع دارا بوده و کم کم بموجب قوانین بعدی آن اختیارات محدود شده است یاد آوری نماییم. بطوریکه خوانندگان اطلاع دارند قبل از تشکیلات مرحوم داور بعلا عدم تدوین قوانین لازم و ضروری از قبیل قانون مدنی - قانون اعسار و افلاس انحصار وراثت و سایر قوانین محتاج الیه صلاحیت محاضر شرعیه بموجب قوانینی که مذکور خواهد افتاد محدود و منحصر بیکدی دو موضوع نبوده بلکه موارد ارجاع به محضر عدول مجتهدین

مختلف و اموری که برسیدگی شرعی احتیاج داشت عبارت بودند:

- ۱- مواردی که منشاء اختلاف و نزاع جهل بحکم شرعی یا جهل موضوعات شرعیه باشد.
- ۲- دعاوی راجعه بنکاح و طلاق.
- ۳- احکام غیابی در امور شرعیه.
- ۴- مواردی که حکم بافلاس یا حکم به جبر مفلس یا حکم توقیف مال ممتنع از ادای دین یا حکم بتقصا لازم میشود.
- ۵- مواردی که قطع و فصل خصومت جز باقامه شهود یا بحلف و احلاف ممکن نیست.
- ۶- مواردی که احکام شرعیه طرفین یا یکی از آنها متناقض یا مجمل و مبهم باشد.
- ۷- مواردی که نزاع در اصل و قفیت یا اصل وصیت یا تولیت متولی یا وصایت وصی باشد.
- ۸- مواردی که نصب متولی یا ناظر شرعی یا قیم یا وصی لازم شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در زمان تشکیلات داور تا ۱۵ دی ماه ۱۳۰۷ که قانون «اصلاح بعضی از مواد قانون اصول محاکمات حقوقی موارد ارجاع دعاوی به حاکم شرع مصوب ۱۱ و ۱۳ دی ۱۳۰۷» وضع گردید ارجاع دعاوی به محاکم شرع بسهم مورد ذیل محدود شد:

الف- دعاوی راجع باصل نکاح و طلاق.

ب- دعاوی که مطابق قانون مخصوص قطع و فصل آن جز باقامه بینه یا بحلف و احلاف ممکن نیست.

ج- در مواردی که نصب قیم یا متولی یا وصی مطابق قوانین مخصوص لازم باشد.

در نتیجه وضع قانون مذکور یک قسمت مهمی از کارهای محاکم شرع که از آن



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در امر قیمومت بطور کلی نوشته است «در مواردی که نصب متولی یا ناظر شرعی یا قیم یا وصی لازم شود) محاکم شرع اقدام مینمایند. در سال ۱۳۰۷ قانون گذار چنین مقرر داشته است در مواردی که نصب قیم یا متولی یا وصی مطابق قوانین مخصوص لازم باشد» با اضافه شدن مجله (قوانین مخصوص) محدودیتی قائل و نصب قم را از طرف محکمه شرع منوط بقوانین مخصوص دانسته و بدیهی است قوانین مخصوص یکی ارجاع کار از طرف مدعیان عمومی است و دیگر معرفی اشخاص مخصوص و انتخاب يك یا چند نفر از میان اشخاص پیشنهادی دادستان طبق ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی و بعداً با تصویب و اجرای قانون امور حسبی نصب قیم نیز محول بداد گاه شهرستان شده است.



پس از ذکر مقدمه فوق باصل مطلب که جستجوی معامله متقابله در قوانین مربوط به نصب قیم و قیمومت است میپردازیم :

ماده ۷ قانون مدنی می نویسد:

« اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط باحوال شخصیه و اهلیت خود و هم چنین از حیث حقوق ارنیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت مطبوع خود خواهند بود.»

نکاتی که در این ماده مندرج و قابل بحث است موضوع شناسائی و معرفت باحوال شخصیه و اهلیت و هم چنین تعریف حقوق ارنیه است که با توجه و التفات بقوانین و مقررات دولت متبوع اتباع خارجه و در حدود معاهدات باید مورد مطالعه واقع گردد و بالاخره موضوع احوال شخصیه تبعه ایرانی آیا در قوانین ایران همه یکسانند یا تفاوتی ملحوظ گردیده؟

قوانین احوال شخصی قوانینی است که راجع باحوال خاصه و هویت اشخاص میباشد یعنی ابوت - نبوت، رشد و صغر و ولایت و وصایت و ازدواج و طلاق و ارث.

این قوانین نسبت بکسانی که مشمول آن میشوند اثر فوری می‌بخشد اعم از اینکه قوانین مزبور در اهلیت سابقه اشخاص تسهیل یا تضییقی روا دارد خلاصه اینکه احوال اشخاص برای آنها وضعیت حقوقی ایجاد می‌کند که در حقیقت جزو لاینفک آنهاست.

با اینکه طبق ماده ۷ قانون مدنی اتباع خارجی را فقط از حیث احوال شخصیه و حقوق اربیه مطیع مقررات وقوانین دوات متبوع خود دانسته است معذک قانون مصوب ۲۲ تیر ۱۳۱۲ (اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه اتباع مزبور را نیز استثنائاً از قاعده خارج دانسته، عین ماده ذیل درج میشود.

ماده واحده - نسبت باحوال شخصیه و حقوق اربیه و وضعیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان برسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسامه و متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع بانتظامات عمومی باشد بطریق ذیل رعایت نمایند.

۱- در مسائل مربوط بنکاح و طلاق عادات و قواعد مسامه متداوله در مذهب که شوهر پیرو آن است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲- در مسائل مربوط بارت و وصیت عادات و قواعد مسامه متداوله در مذهب متوفی.

۳- در مسائل مربوط بفرزند خواندگی عادات و قواعد مسامه متداوله در مذهبی که پدر خوانده یا مادر خوانده پیرو آن است.

چرا قانون گزار ایرانیان غیر شیعه را که مذهب آنان برسمیت شناخته شده است از قاعده عمومی مستثنی دانسته و چه اموری موجب طرح و تصویب چنین قانونی گردیده؟ بطوریکه خوانندگان اطلاع دارند طبق اصل اول متمم قانون اساسی مصیوب ۴ ذی قعدة الحرام ۱۳۲۴ باینکه «مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه

اثنی عشریه است. باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد « و ایرانیان غیر شیعه که در ایران سکونت و اقامت دارند و دارای مذهبی هستند که قانون مذهب آنها را رسمی شناخته (مسلمان - عیسوی - زردشتی - کلیمی) و بشرائطی که در ماده واحده مندرج است بطور استثناء قانون گذار بدادگاه اجازه داده است که احوال شخصیه آنها را بکیفیتی که تصریح شده مراعات نمایند .

البته رعایت احوالات فوق با توجه بموضوع مقررات انتظامات عمومی است در صورتیکه مقررات انتظامات عمومی عرض اندام کند رعایت آن لازم نخواهد بود و خلاصه انتظامات عمومی در این گونه موارد مقدم رعایت احوال و حالات شخصیه افراد ایرانی غیر شیعه میباشد .

باز هم قانون گذار با التفات بموضوع عنوان (اخلاق حسنه) را که بمرحله همدریف مقررات انتظامات عمومی در موارد مشابه آن قرارداد به هیچ وجه مستثنی نکرده است و حال آنکه مقتضی بود در قبال مقررات عمومی عبارت منافی (اخلاق حسنه) را هم یاد آور میشد؛ معاوم میشود آنچه از موضوعات احوال شخصیه که مخل انتظام عمومی باشد واجب الاطاعه است و اخلاق حسنه که در قوانین بعد و در مواردی که لازم است رعایت شود در این مورد عمداً ذکر نکرده اند زیرا اخلاق حسنه يك امر کلی است که ممکن است نسبت بیک قوم از ایرانیان غیر شیعه يك عادت متداول در میان آنها جزو اخلاق حسنه آنها محسوب و همان عادت و رسم نسبت بقوم دیگر مستجین و مذموم باشد این است که قانون گذار این اصل را لازم الرعایه ندانسته است .



الف- نصب قیم و معامله متقابله :

۱- ماده ۹۷۵ قانون مدنی میگوید :

« ولایت قانونی و نصب قیم اتباع خارجه بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه

خواهد بود .

آیا تکلیف کلر باتوجه بماده ۷ قانون مدنی که فوقاً مذکور افتاد چیست در صورتیکه در ماده ۷ قانون مدنی اتباع خارجه مقیم در خاک ایران را از حیث مسائل مربوط باحوال شخصیه و امنیت خود مطیع مقررات و قوانین دولت متبوع خود در حدود معاهدات دانسته است در صورتیکه معاهده یا قراردادی بین دولت ایران و دولت چنین افرادی منعقد شده باشد آیا نصب قیم در این صورت از طرف چه مرجعی بعمل خواهد آمد؟ یعنی مراجع ایران صالح برای نصب قیم میباشد یا مراجع خارجی؟

جواب این موضوع است که اولاً ماده ۷ و ۹۶۵ قانون مدنی ناظر بقوانین اصلیه احوال شخصیه است نه قوانین طرز اجرا و تشخیص مقام صالح.

ثانیاً - باید بحکم کلی مواد مربوط به نصب قیم در قانون مدنی و قانون امور حسبی مراجعه نموده و برای صغار یا مجانین از طرف مقامات مربوطه و صالحه ایران اقدام به تعیین و نصب قیم نمود.

ثالثاً - در ماده ۹۶۵ قانون مزبور حکم مستقلی قید گردید و هیچ گونه اشاره بمعاهدات ندارد.

قوانین اصلیه را بفرانسه Lois de Fouds و قوانین طرز اجرا و تشخیص مقام صالح را Lois de Fonne میگویند.

۲- ماده ۱۲۲۹ قانون مدنی می نویسد:

«وظائف و اختیاراتی که بموجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر شیعه مقرر است در خارج ایران بعهده مأمورین قنسولی خواهد بود.»

ماده ۱۲۳۰ میگوید: اگر در عهد و قراردادهای منعقد شده بین دولت ایران و دولتی که مأمور قنسولی مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا می کنند ترتیبی برخلاف مقررات در ماده فوق اتخاذ شده باشد. مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را

تأیدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد.»
 بالین ترتیب ملاحظه میفرمائید باینکه در ماده ۱۲۲۸ نصب موقت رادر خارج
 بعهد مأمورین قنسولی ایران گذارده و طبق ماده ۱۲۲۹ وظایف و اختیارات دادستان
 را در مورد جمع آوری مال و صورت برداری و نصب قسیم و ملاحظه غبطه صغیر و حفظ
 دارایی نیز بدست مأمورین قنسولی سپرده است معذک برای رعایت عمل متقابل متذکر
 شده در صورتیکه در عهد و قراردادها خلاف این ترتیب مقرر باشد تأیدی که عمل
 مأمورین قنسولی نسبت بصغار و مجانبین ایرانی در خارج از ایران چه برای نصب قسیم چه
 برای حفظ اموال آنان تأیدی که مخالف عهدنامه ها نباشد مگری خواهد بود.
 ماده ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ با جزئی تغییرات
 مقررات فوق را تأیید نموده منتها قطعی شمردن قسیم موقت را که قانون مدنی موکول
 به تنفیذ محکمه شرع دانسته بود بعهد دادگاه شهرستان طهران گذاشته است.

ب- قانون ازدواج

ماده ۹۸۶ قانون مدنی می نویسد:

« زن غیر ایرانی که در نتیجه ایرانی میشود میتواند بعد از طلاق یا فوت شوهر
 ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً
 مطلع کند ولی هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمیتواند مادام که
 اولاد او بسن هجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند در حال زنی که
 مطابق این ماده تبعه خارجه میشود حق داشتن اموال غیر منقوله نخواهد داشت مگر
 در حدودی که این حق باتباع خارجه داده شده و هر گاه دارای اموال غیر منقول بیش از
 آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده و یا بعداً بارث اموال غیر منقولی
 بیش از حد باو برسد باید در ظرف یکسال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن
 ملک در مورد ارث مقدار مازاد را بنحوی از انحاء باتباع ایران منتقل کند والا اموال

مزبور با نظارت مدعی العموم بفروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت بآنها داده خواهد شد.»

میزان مالی که اتباع خارجه میتوانند دارا باشند در کدام قانون پیش بینی شده؟

در قانون غیر منقول اتباع خارجه مصوب مرداد ۱۳۱۰ و تصویب نامه شماره ۹۲۴۹ مورخ ۱۶/۹/۱۹۲۹ که بادر نظر گرفتن مقررات قانون ازدواج و ماده ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ قانون مدنی پیش بینی گردیده است. توضیح آنکه:

در قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ چنین مقرر شده بود که ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی که مانع قانونی ندارد موکول با اجازه مخصوص بوده و دولت باید در هر نقطه مرجعی را برای دادن اجازه معین نماید، هر خارجی که بدون اجازه مذکور در فوق زن ایرانی را ازدواج نماید بحسب تأدیبی از یکسال تا سه سال محکوم خواهد شد.

در تصویب نامه شماره ۹۲۴۹ هیئت وزیران هم مرجع صدور پروانه ازدواج و هم شرط معامله مذکور گردیده و چنین مقرر داشته اند که پروانه زناشویی در صورتی داده میشود که مرد تبعه بیگانه دارای شرایط زیر باشد و صلاحیت زناشویی را وزارت کشور تصدیق نماید.

الف- داشتن مکنت کافی بطوریکه بتواند هزینه و نفقه زن را که مطابق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی تأمین نماید.

ب- نداشتن پیشینه بد و محکومیت کیفری.

ج- مبتلا نبودن به بیماری های مسری.

د- نبودن منع قانونی برای زناشویی با زن ایرانی در کشور متبوع خود.